

سلام بر حسین (ع)

تالیف

فاطمه کرمانی

www.kotab.ir

انتشارات سمیع

سرشناسه	: کرمانی، فاطمه، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور	: سلام بر حسین (ع) / تألیف فاطمه کرمانی.
مشخصات نشر	: تهران: سمیع، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۸۴ ص.؛ ۵/۱۶ x ۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۸۳۳۷۴۵۰۹۶۴-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق.
موضوع	: Hosayn ibn 'Ali, Imam III -- ۶۸-۱۲۵
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق. -- اخلاق
موضوع	: Hosayn ibn Ali, Imam III -- Ethics
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق. -- فضایل
موضوع	: Hosayn ibn Ali, Imam III, -- Virtues ۶۸-۱۲۵
رده بندی کنگره	: ۴۱/۵BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۷۵۴۰



انتشارات سمیع

سلام بر حسین علیه السلام

■ تألیف: فاطمه کرمانی

■ ناشر: انتشارات سمیع

■ شابک: ۹۷۸-۸۳۳۷-۴۵۰-۰

■ قطع: رقعی، تعداد صفحه: ۸۶

■ نوبت چاپ: اول، سال ۱۳۹۸

■ قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

■ شمارگان: ۲۰۰ نسخه

.....انتشارات سمیع.....

شهری: بازار بزرگ ری - طبقه اول - پلاک ۴۵/۱
تهران: ناصر خسرو، کوچه خداپسند لو، کوچه شهید کجوری، ساختمان صدف پ ۱۱۰
تلفن: ۵۵۹۵۳۸۰۸ - ۵۵۹۵۳۸۷۱ - تلفکس ۳۳۹۹۶۶۹۱ - همراه: ۰۹۳۵۸۸۲۳۳۸۸
sameipub@yahoo.com پست الکترونیکی
حساب سیبا: ۰۳۳۵۱۹۷۵۰۰۰۶ پخش: ۰۹۲۲ ۱۰۱۸۷۵۲

حقوق چاپ محفوظ است

فهرست

مقدمه.....	۹
فلسفه قیام امام حسین (ع).....	۱۰
هدف امام حسین (ع) از قیام و مخالفت در برابر یزید.....	۱۱
ورود به سرزمین کربلا.....	۱۲
حماسه کربلا.....	۱۶
عاشورا، پیوند تقدیر الهی با ابتکار و عزم حسینی.....	۱۷
رابطه‌ی ایمان مقاومت.....	۱۷
حسین (ع) اسوه ماندگار.....	۱۸
احیای ذکر و پیام عاشورا.....	۲۱
اربعین، اولین جوشش چشمه‌های محبت حسینی.....	۲۲
اخلاص و خدا محوری.....	۲۴
اخلاص در کلام معصومین.....	۲۴
عفو و کرم امام حسین (ع).....	۲۵
رضای الهی.....	۲۹
جهاد امام حسین (ع) و یاری دین خدا.....	۳۰
صبر و بردباری.....	۳۳
امام حسین (ع) اسوه صبر.....	۳۳
خدمت‌گزاری در سیره سید الشهداء.....	۳۸
وظیفه زوآر.....	۳۹

۴۱	رفتار نرم و تاثیر گذار.....
۴۳	خدمت به قدر معرفت.....
۴۵	شجاعت.....
۴۶	اسوه دلاوران.....
۴۷	عبادت و عرفان.....
۴۹	وقایع روز عاشورا (سخنان امام حسین).....
۵۵	نیایش عاشورائیان.....
۵۸	شیعیان و روز عاشورا.....
۵۹	نماز عشق.....
۶۱	رضایت پیغمبر و فاطمه به شهادت امام حسین (ع).....
۶۳	آخرین مناجات.....
۶۴	شب شوق انگیز عاشورا.....
۶۵	امام حسین (ع) با اسماء ارزش های الهی.....
۶۶	پیروزی ابا عبدالله (ع).....
۶۷	فجری در ظلمت.....
۶۹	درس های عاشورا.....
۷۱	غم انگیزترین و ماندگارترین حادثه ی تاریخ.....
۷۱	محرم؛ پرچم بیداری امت مسلمان.....
۷۲	دفاع از حریم خانواده.....
۷۳	زهد و دنیا گریزی.....
۷۴	جوشش خون حسین بن علی (ع) در طول تاریخ.....
۷۶	قدردانی و ستایش.....
۷۷	سخنان مقام معظم رهبری در مصاف امام حسین (ع).....
۷۹	داستان هایی از قاطعیت امام حسین (ع).....
۸۰	چندین حدیث از امام حسین (ع).....
۸۵	منابع و مأخذ.....

مقدمه

به راستی که حسین(ع) چراغ هدایت و کشتی نجات است. مکتب والای حسینی، مکتب فضایل اخلاقی و کمالات بشری است و آنان که درس آموز مدرسه حسینی شدند، وجودشان تجلی گاه مکارم اخلاقی و صفات ممتاز الهی است. صفاتی چون عشق، ایثار، شجاعت، سخاوت، صبر، شکیبایی، بلند همتی، سخت کوشی، سازش ناپذیری، غیرت و رزق، عبادت پیشگی، خدا محوری، ظلم ستیزی، حق محوری، کرامت مندی و ده ها فضیلت اخلاقی دیگر در این مکتب عظیم پرورش می یابد. و حسین(ع) خود مظهر کامل و معدن پایان ناپذیر تمامی این اوصاف بود و تبعیضاتش در معنای حقیقی کسانی خواهند بود که متصف به این صفات ممتاز شوند و گفتار و رفتار خویش را با محوریت آموزه های این مکتب که صد البته در آموزه های وحی و تعالیم نبوی و علوی دارد، بنیان نهند. از شاخص ترین فضایل اخلاقی امام حسین(ع) که هم در زندگی فردی و اجتماعی و هم در رخداد عظیم قیام حسینی، حضوری پررنگ و برجسته دارد، عزتمندی و ذلت گریزی آن حضرت است؛ عنصری که موجب گردید در سخت ترین شرایط و بزرگ ترین مصایب، بر اعتقاد به حق خویش که همان ظلم ستیزی و حق طلبی و اصلاح گری جامعه فاسد آموی بود، بایستد و لحظه ای تن به زبونی،

ذلت، تن آسایی و عافیت طلبی ندهد و این چنین شد که حسین (ع) الگوی آزاد مردان به عنوان نماد و نمونه عالی عزت و شرافت شناخته شد و حرکت هدایت گرایانه اش که برای اصلاح دین الهی و سنت نبوی آغاز گردیده بود، به قیامی جاویدان تبدیل شد تا الگویی عملی برای همه انسان های آزاده در طول تاریخ باشد.

آری! حسین (ع) امام عزت است و کربلا، تجلی گاه عزتمندی یاران خدا. و عاشورا، لحظه ای تاریخی که افتخار حفظ دین و ارزش ها و فدا کردن خود برای بقای آن ها؛ به او تعلق گرفت. و هم چنان که نام حسین (ع) در تاریخ جاودانه شد، فضایل اخلاقی آن حضرت هم که موجب پدید آمدن این شخصیت تاریخ ساز و این نهضت سر نوشت ساز گردید نیز جاودانه شد.

فلسفه قیام امام حسین (ع)

امام حسین (ع) در آغاز وصیت نامه ای که در مدینه به برادرش (محمد بن حنفیه) داد، فرموده است:

« من از روی خود خواهی و خوش گرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، بلکه قیام من برای اصلاح در امت جدّم می باشد »^۳

در طول تاریخ اسلام از آغاز ظهور تا کنون، بی گمان حساس ترین برهه در سر نوشت اسلام، امام حسین (ع) است و موثرترین و ارزنده ترین حرکت برای احیای دین و اظهار حق، قیام حسین بن علی (ع) بوده است. چنان که در شرایط موجود آن زمان،

اصول دین در خطر نابودی بود، و آنچه به نام «اسلام» مطرح و ترویج می‌شد کاملاً خلاف حقیقت اسلام بود، و این مسئله هر قدر مجال و قدرت بیشتری می‌یافت، تحریف دین بیشتر می‌شد و بی‌شک تحریف یک مکتب بدترین خطر برای آن است. لذا امام حسین(ع) سازش و تسلیم در برابر یزید را امری ناروا و خلاف مصالح اسلام دانسته و ایستادگی در برابر او را بر خود واجب می‌داند و در این میان، تکلیف خود را از همه سنگین‌تر می‌دید.^۴

هدف امام حسین از قیام و مخالفت در برابر یزید

هدف امام(ع) از اعلان مخالفت با یزید، به وسیله ترک بیعت و دفاع از خود و حرکت از این سوی به آن سوی با اهل و عیال، نجات مسلمین از شر یزید و حفظ اسلام از شر یزیدیان بود. اگر آن وجاهت و موقعیتی که هر طول چندین سال زحمات معاویه و یارانش، برای ابو سفیان حاصل شده بود، همچنان باقی می‌ماند، چیزی از اسلام نمی‌ماند. یزید از شکست مسلمین متأثر نمی‌شود. یزید دشمن پیغمبر(ص) است و از کشتن فرزند پیغمبر، و اسیر کردن حرم آن سرور خشنود می‌شود. یزید از غارت شهر مدینه و کشتن ذریه و اصحاب پیغمبر و بی‌ناموسی‌هایی که سپاه او تا سه روز در آن شهر نموده، خرسند است و آن را انتقام شکست قریش در جنگ بدر می‌داند. این دشمن خدا و پیغمبر(ص) که در کمال اقتدار، آشکارا عداوت و دشمنی می‌کند و در پی کندن ریشه دیانت بر آمده، اگر با همان عظمت و موقعیت باقی بماند از اسلام اسمی

باقی نخواهد ماند. حسین(ع) تصمیم گرفت که مردم را از این خواب غفلت بیدار، و اسلام را از شرّ این راهزن و این دشمن پیغمبر حفظ نماید. او دید که سکوت در برابر اعمال یزید، اظهار رضایت به اعمال او، و کمک به محو دین اسلام است، پس به مبارزه برخاست.

ورود به سرزمین کربلا

کاروان امام و لشکر خُربه موازات و نزدیک همدیگر حرکت می‌کردند تا به نزدیکی سرزمین نینوا رسیدند. روایت است که در یک منزل مانده به کربلا یعنی «قصر بنی مقاتل» حالتی به امام حسین(ع) دست داد که نسبت به حوادث در پیش رو مسائلی برای آن حضرت آشکار شد و چند بار فرمود:

إِنَّا لِلّٰهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

امام سجاد(ع) پرسید:

پدر جان! چرا چند بار کلمات حمد و استرجاع را تکرار می‌کنید؟

امام حسین(ع) پاسخ داد:

سر بر زین اسب گذاشته بودم و خواب سبکی بر چشمان من مسلط شد، ندایی به گوشم رسید که می‌گفت: این جمعیت در حرکت است و مرگ نیز در تعقیب آنان است، دانستم که خبر مرگ ما را می‌دهد.

حضرت علی بن الحسین(ع) پرسید:

پدر جان! مگر ما بر حق نیستیم؟

امام حسین(ع) پاسخ داد:

بَلَىٰ وَالَّذِي إِلَيْهِ مَرْجِعُ الْعِبَادِ.

به خدایی که همه بندگان به سوی او باز می گردند ما بر حق استواریم.

حضرت علی بن الحسین (ع) اظهار داشت:

وقتی حق با ماست از کشته شدن باکی نداریم.

امام (ع) فرمود:

خداوند بهترین پاداشی که پدری به فرزندش می دهد به تو عطا فرماید.^۵

باری خَر که در پی نامه های روزانه از کوفه، امام (ع) را کنترل می کرد و در مراقبت کامل خویش داشت، با فرمان ابن زیاد آن حضرت را از مسیر اصلی به صحرای خشک و سوزان نینوا کشانید. تا این که در روز پنج شنبه، دوم ماه محرم سال ۶۱ قمری در سرزمین کربلا، از ادامه حرکت آن حضرت، ممانعت به عمل آورد. و این چنین کاروان پاکبازان عاشق سر انجام به کربلا رسیدند، به زمینی که تا پیش از آن نا شناخته بود.

عالم بزرگوار «سید بن طاووس» نقل کرده است که:

امام (ع) چون به کربلا رسید، پرسید: نام این سرزمین چیست؟

همین که نام کربلا را شنید فرمود

"اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ؛

خدایا به تو پناه می برم از ناراحتی و گرفتاری."

این سرزمین محل سختی و بلا است، پیاده شوید. در همین

سرزمین است که کاروان ما فرود می‌آید، در این سرزمین است که خون ما ریخته می‌شود و این سرزمین است که محل آرامگاه‌های ما می‌گردد، این اخبار را جدم رسول خدا(ص) به من اطلاع داده است.^۶

گر نام این زمین به یقین کربلا بود

اینجا نصیب ما همه کرب و بلا بود

اینجا بود که تیغ بر آل نبی کشند

و اینجا بود که ماتم آل عبا بود

کاروان حسینی از حرکت متوقف شده، بارهای سفر از پشت شترها بر زمین نهاده شده و خیمه‌ها برافراشته می‌گردد. آنگاه امام اهل بیت و افراد خانواده و یارانش را جمع کرده و در حالی که اشک چشمان مبارکش را فرا گرفته است دست به دعا بر می‌دارد و می‌فرماید:

«بار خدایا مائیم عترت پیامبر محمد(ص) که ما را از خانه و کاشانه‌مان بیرون کردند و از حرم جدمان رانده شدیم، بنی امیه بر ما ستم کردند، خدایا تو خود حق ما را بستان و ما را بر مردم ستمکار پیروز گردان.»

و نیز برای اینکه اصحابش موقعیت خود را بدانند و در تعیین سرنوشت خود تصمیم بگیرند؛ به آنان خطاب کرد و فرمود:

«مردم بنده و برده دنیايند و دين لقلقه زبان آنها است از هر سو که زندگیشان تأمین شود به همان سو می‌چرخند؛ هر گاه به گرفتاری‌ها مبتلا شوند دینداران

تقلیل خواهند یافت.^۷

و سپس در سخنانی به یاران خویش فرمود:

ای مردم شما می‌بینید آنچه را که برای ما پیش آمده،
به راستی دنیا تغییر نموده و زشتی‌های خود را آشکار
ساخته؛ نیکی‌هایش را پشت کرده و پیوسته بر خلاف
مراد انسان می‌رود. ولی از دنیا باقی نمانده، مگر مقدار
کمی به اندازه قطراتی که پس از ریختن آب در ظرف
می‌ماند، و جز یک زندگی پست که مانند زمین شوره زار
است. مگر نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و از باطل
جلوگیری نمی‌گردد. و نتیجه آن این است مومن مشتاق
می‌شود به شهادت در راه حق.

نقل است که امام (ع) در این روز به اهل کوفه نامه‌ای نوشت
و گروهی از بزرگان کوفه، که مورد اعتماد ایشان بودند، را از حضور
خود در کربلا آگاه کرد. حضرت نامه را به (قیس بن مسهر) داد،
تا عازم کوفه شود. اما لشکریان ابن زیاد این سفیر جوانمرد امام (ع)
را دستگیر کرده و به شهادت رساندند. زمانی که خبر شهادت قیس
به امام (ع) رسید، حضرت گریست و فرمود:

"خداوند! برای ما و شیعیان ما در نزد خود قرارگاه
والایی قرار ده و ما را با آنان در جایگاهی از رحمت خود
جمع کن، که تو بر انجام هر کاری توانایی."^۸

۷ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳

۸ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱